

بطور کلی نویسندگان بدو گروه تقسیم میشوند .
 تعریف نویسندہ یکم کلمه مردمیکه تحصیلات آنها مختصر و محدود است
 و از کلاسهای ابتدائی بالاتر نخوانده و نرفته اند و بیشتر
 این طبقه مردم بازاری و مستخدمین جزء ادارات و کارگران و ساکنین دهات
 میباشد که مختصری خواندن و نوشتن میدانند و حساب خانه و دکان خود را
 میتوانند بطور یادداشت برای خود روی کاغذی بنسکارند یا بدوستان و خویشاوندان
 خود نامه های ساده از گزارش زندگانی و احوالپرسی یا پاسخ اینگونه نامه ها را
 بنویسند بدیهمی است نوشته های این طبقه مردم کمتر با قواعد زبان موافقت دارد و سلسله
 افکار آنها مرتب و صاف و پیوسته نیست و غالباً از منطق دور است و فاقد تفکرات بلند و
 تشبیهات دلپسند میباشد و از حیث استعمال کلمات نیز دوچار اشتباهات و اغلاط زیاد
 میشوند و از نوشته آنها در نفس خواننده تحریک احساسات لطیف و پر هیجان
 اعم از حزن انگیز و نشاط آور پدیدار نمیشود .

اگر چه در اینجا هم اشتباهاتی پیدایشود و مردمانیکه تحصیلات آنها
 بسیار مقدماتی و مختصر است گاهی بواسطه ذوق طبیعی و خواندن مقداری
 کتب و شنیدن کلمات و اشعار بزرگان آثاری قابل ملاحظه پدید میآورند
 ولی این ها استثنا هستند و مستثنیات جزء قانون کلی محسوب نمیگردند .

دوم مردمیکه تحصیلات متوسطه و عالی دارند . این طبقه نیز خود بر دو
 گونه اند یکی آنهاست هستند که در یک علم بخصوص دارای اطلاعات کافی
 هستند و در آن رشته که تخصص دارند برخی بسیار خوب و بعضی تا اندازهئی
 میتوانند از عهده نوشتن برآیند ولی در سایر اقسام نوشتن کند و بیشتر عاجز
 هستند و نمیتوانند در سایر شعب نویسندگی افکاری برشته تحریر درآورند که
 مطبوع و مقبول عامه و ویژه سایر نویسندگان و دانشمندان و تحصیل کردگان باشد .
 مثلاً مهندسین بسیار لایق و بااطلاع دیده میشوند که در فن ورشته تحصیلی خود
 استادند و در نوشتن کتاب و مقالاتی در فن خود نیکو از عهده برمیآیند ولی
 یک مقاله ادبی یا تاریخی یا اجتماعی یا انتقادی که قابل خواندن باشد نمیتوانند
 بنویسند و شاید یک سطر هم نتوانند . همینطور اطباء و بعضی متخصصین فنی و غیره
 طبقه دوم که مقصود ما در این مقاله تعریف و شناسانیدن آنها

میباشد بسیار کم هستند اینها ستارگان فروزانی هستند که در آسمان ادبیات ملل خود نمائی میکنند و بعضی از آنها نه تنها در میان ملت و قوم خود مشهور میشوند بلکه دارای شهرتی عالمگیر میگرددند و نوشته های آنها سر مشق جهانی میشود. از این قبیل نویسندگان در قرون اخیر میتوان ویکتور هوگو و ژانژاک روسو و الکساندر دوما و شاتوبریان و انا تول فرانس رادر فرانسه و جرجی زیدان و حداد و منفلوطی را در میان ملل عرب و تولستوی و ماکسیم گورکی و آنتن چخوف و گوکل را در ملت روس و ولز و برناردشاو انگلیسی را نامبرد. اگر چه شاعر هم در حقیقت نویسنده است و همان عملی را که نویسنده نثر انجام میدهد شاعر استاد در شعر گاهی بطور کامل و عجیب انجام میدهد ولی چون مبحث شعر و شاعری را میخوانیم جداگانه شرح دهیم و حقیقتاً چون شعر یکی از شعب بسیار مهم نویسندگی و ادب است در این مقاله فقط راجع به نثر صحبت میکنم و راجع به شعر مقاله جداگانهائی که در خور مقام شعرای استاد است خواهیم نگاشت. اما در میان فارسی زبانان در قرون پیش نویسندگان بزرگ بوجود آمده اند که اگر بخوایم یک یک آنها را بشماریم و شرح حال و طریقه نگارش و سبک انشاء آنها را به تفصیل ذکر کنیم از حوصله این مبحث خارج خواهد بود و بطور خلاصه چند نفر را میتوانیم در اینجا برای نمونه نام ببریم خواجه عطاء ملک جوینی نویسنده جهانکشای جوینی و سعدی نویسنده گلستان و مؤلف عقد العلاء تاریخ کرمان و ناصر خسرو نویسنده زاد المسافرین و سیاحت نامه ناصر خسرو و قاضی عبدالحمید نگارنده مقامات حمیدی و ابوالفضل دبیر بیهقی و نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی مترجم کليلة و دمنه از عربی بقاری و ابوسعید عبدالحمی بن الضحاک گردیزی مؤلف زین الاخبار و حسین کاشفی واعظ نویسنده انوار سهیلی و مرزبان بن رستم بن شروین نویسنده مرزبان نامه و نورالدین محمد زیدری نسوی مؤلف نفثة الصدور (و سیره جلال الدین که بر عربی نگاشته است) و شمس الدین محمد بن قیس رازی مؤلف کتاب المعجم فی معانی اشعار العجم و قابوس و شمکیر زیاری مؤلف پند نامه قابوس و عده دیگر که ذکر اسامی آنها موجب اطناب است